

تشکول معرفت

کلمات معروضات [۴]

«معرفت»

مؤلف و ترجمه: رضا خوش بخت

ناشر: مکتب

سرشناسه: خوش‌یخت، رضا، ۱۳۳۶ -

عنوان و پدیدآور: کشکول معرفت، کلمات معروشات / گردآورنده خوش‌یخت، ویرایش رضا خوش‌یخت.
مشخصات ظاهری: سبزوار: کشکول معرفت، کلمات معروشات؛ ۱۳۹۵، ج ۷، جدول، نمودار.

شابک (جلد ۴) ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۷۷۶-۱

شابک (دوره) ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۷۸۲-۲

KASHKOL MAREFAT KALAMATON MAROSHATON- VOLUME ۷ Marefat- REZA KHOSHBAKHT

یادداشت پشت جلد به انگلیسی: KASHKOL MAREFAT KALAMATON MAROSHATON- VOLUME ۷ Marefat- REZA KHOSHBAKHT

یادداشت: فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

یادداشت: ج ۴ چاپ اول، ۱۳۹۵

یادداشت: کتاب‌نامه

موضوع: ج ۱. وجود - ج ۲. تجلی - ج ۳. آفرینش - ج ۴. معرفت - ج ۵. خلیفه‌الله - ج ۶ دعا و عبادات - ج ۷. معاد

موضوعات: اسلام - مطالب گونه‌گون ISLAM - MISCELLANEA

اسلام - عقاید - مطالب گونه‌گون ISLAM - DOCTRINES - MISCELLANEA

اسلام - عقاید - جنبه‌های قرآنی - مطالب گونه‌گون ISLAM - DOCTRINES - QUR'ANIC TEACHING - MISCELLANEA

زبان دین: معرفت

موضوع: حلقه

ردمبندی: ۱۳۹۵ BP

ردمبندی دیویی: ۲/۲

شماره کتابخانه: ۴۰۰۹۹۶

- کتاب: کشکول معرفت، کلمات معروشات، جلد چهارم
- عنوان دیگر: معرفت
- مؤلف: خوش‌یخت
- تحقیق و تنظیم و ویرایش: خوش‌یخت
- ناشر: مؤلف
- تعداد مجلدات: هفت جلد
- حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی: خوش‌یخت
- چاپخانه: دقت، مشهد مقدس
- تعداد صفحه: ۸۵۹
- نوبت چاپ: اول
- سال نشر: فروردین ۱۳۹۶
- شابک (دوره): ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۷۸۲-۲
- شابک (جلد چهارم): ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۵۷۷۶-۱
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت تک جلدی: ۵۳۰۰۰ تومان
- قیمت دوره: ۳۶۰۰۰ تومان

* همه حقوق طبع محفوظ است *

آدرس: سبزوار، خیابان حضرت آیت‌الله سیادت، چهارراه فرودگاه، سیادت‌ی یازده پلاک ۳۰

تلفن: ۴۴۴۴۰۸۳۳

پست الکترونیکی: reza.khoshbakht31@gmail.com

فهرست اجمالی موضوعات

۵	فهرست اجمالی موضوعات
۹	مقدمه
۱۱	جایگاه معرفت‌شناسی
۲۳	بخش سی‌ام- صورت آدمی در کتاب الهی
۲۵	زیبائی‌های شناخت مبدأ فاعلی
۳۰	فصل یکم- انسان، نشانی از بی‌نشانی، ذات تکوینی و تشریعی
۳۹	فصل دوم- صورت آدمی در کتاب الهی
۴۹	فصل سوم- آدم نقطه مرکز دایره در عالم نسبت به محیط
۵۵	فصل چهارم- «الله» اسم جامع الهی و توجهش به رب‌الانسان
۶۵	فصل پنجم- حقیقت انسان به اعتبار حب ظهور
۹۳	بخش سی و یکم - خلقت آدم و حوا و عیسی(ع)
۹۵	گنج‌های به ودیعه نهاده شده عالم اکبر
۹۷	فصل یکم- خلقت آدم و وجه‌تسمیه نام او
۱۰۰	فصل دوم- ماجرای خلقت آدم و حوا
۱۰۵	فصل سوم- ترکیب انسان و وجه تسمیه انسان
۱۰۸	فصل چهارم- داوود(ع) شبیه‌ترین فرزند به آدم در دلالت نام بر او
۱۱۴	فصل پنجم- صفت آدم صفت حضرت الهیت؛ یا مجموع اسماء الهی
۱۳۰	فصل ششم- مراحل تطوّر جسم و روح آدم و حوا(ع)
۱۷۷	بخش سی و دوم- ولایت؛ نبوت؛ ملک؛ وحی؛ الهام و خواب
۱۷۹	آفرینش دریا‌های نفس آدمی
۱۸۰	فصل یکم- ادیان و ملک و وحی و الهام و خواب راست

- فصل دوم- احتیاج آدمی به تدبیر دنیا و تحصیل آخرت ----- ۱۸۲
- فصل سوم- ولایت و نبوت و رسالت ----- ۱۹۹
- فصل سوم- طبقات اولیا ----- ۲۵۰
- بخش سی و سوم- در بیان معرفت انسان ۱ ----- ۲۵۵
- فصل یکم- خلقت صورت انسان و ارواح و ترقی روح انسانی ----- ۲۵۷
- فصل دوم- سرّ حدیث حب الوطن من الایمان ----- ۲۷۱
- فصل سوم- سرّ حب الوطن در شرحی بر غزل شماره ۹۴ حافظ رحمه الله ----- ۲۷۳
- فصل چهارم- سرّ حب الوطن در شرح لفظی غزل ----- ۲۸۴
- فصل پنجم- سرّ حب الوطن در مقدمه شرح عرفانی غزل ----- ۳۲۶
- فصل ششم- سرّ حب الوطن در متن شرح عرفانی غزل ----- ۳۳۹
- بخش سی و چهارم- در معرفت انسان ۲ ----- ۴۱۳
- فصل یکم- در بیان شریعت و شرافت آدمی ----- ۴۱۵
- فصل یکم- معرفت انسان در سخن اهل شریعت، حکمت و وحدت ----- ۴۱۶
- فصل دوم- اختصار صورت آدم مظهر تامّ الهی و اسم اعظم حق تعالی ----- ۴۲۵
- بخش سی و پنجم- آفرینش آدم بر صورت خداوندی ----- ۴۳۵
- فصل یکم- نور بر ریزه آید از آفرینش عالم بر صورت خداوندی ----- ۴۳۷
- فصل دوم- آفرینش برده صورت خدا با تفکیک معنای صواب و خطا ----- ۴۴۵
- فصل سوم- حق، خلق است، اما خلق حق نیست ----- ۴۵۶
- فصل چهارم- تمام حقایق در آدم با حوا اجمال ----- ۴۶۴
- فصل پنجم- آفرینش انسان بر صورت؛ بزرگترین آزمایش ----- ۴۶۵
- بخش سی و ششم- آفرینش انسان (۱) ----- ۴۷۳
- فصل یکم- قدّم آفریننده و عظمت مخلوقات ----- ۴۷۵
- فصل دوم- آفرینش انسان و واژه «انسان» و مرادفات آن در قرآن ----- ۴۷۷
- بخش سی و هفتم- آفرینش انسان (۲) ----- ۴۹۳
- فصل یکم- خداوند سبحان فاعل صورت و مقدر وجود انسان ----- ۴۹۵
- فصل دوم- عالم به سبب انسان کامل مخلوق شده است ----- ۵۲۶
- فصل سوم- آفرینش آدم از، طینت و روحانیت ----- ۵۲۹
- فصل چهارم- منشأ آفرینش انسان در قرآن ----- ۵۴۵
- فصل پنجم- خالقیت خدا در آفرینش انسان از گل ----- ۵۶۴
- فصل ششم- آفرینش انسان و راز تکرار قصه آدم(ع) و ابلیس ----- ۵۶۶
- فصل هفتم- مراحل آفرینش انسان ----- ۵۸۵
- فصل هشتم- آدم و حوا(ع) از یک حقیقت اند ----- ۵۹۸
- فصل نهم- آفرینش انسان ها از حقیقت واحد ----- ۶۰۵

۶۳۲	فصل دهم- قدرت‌نمایی حضرت حق در خلقت انسان
۶۵۶	فصل یازدهم- راهبران به مطلوب و گمراهان مغلوب
۶۶۱	شرح اصطلاحات و تعبیرات عرفانی
۶۶۳	شرح اصطلاحات و تعبیرات عرفانی
۸۱۳	فهارس
۸۱۵	فهرست اصطلاحات و تعبیرات عرفانی شرح شده مجموعه
۸۲۱	فهرست آیات
۸۳۱	فهرست کتب مجموعه کشکول معرفت
۸۳۹	فهرست منابع
۸۴۵	فهرست آرس منابع در مجموعه حاضر
۸۴۹	فهرست تفصیلی موضوعات

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ وَ قَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَاراً^۱

چرا شما برای خدا عبادت نمیکنید؟! در حالی که شما را در مراحل مختلف آفرید تا از این دنیای موقت به انسان کامل برسید!

جایگاه معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی در مقام «اثبات» بعد از بررسی از مسائل عقلی قرار دارد، زیرا دارای مقدمات فراوانی است که بدون آن تحصیل حقیقت و شناخت مشکل خواهد بود ولی از نظر «ثبوت» بر همه آن‌ها مقدم است؛ زیرا با نظریه معرفت حل نشود و مقدار نیل بشر به شناخت خود و خارج از خود تبیین نتردد، هرگز طرح مسائل فلسفی و کلامی و... سودی ندارد. کسی که در این پندار بسر میبرد که جهان به‌طور مطلق قابل شناخت نیست یا کسی که در این وهم متحیر است که شناخت هیچ‌چیز غیر تجربی میسر نیست، ارائه مسائل عقلی، که مسبوق به پذیرش اصل شناخت است، برای او نفعی ندارد.

تبصره: ۱- اگر کسی معرفت‌شناسی را از درون مایه شخصی (علم حضوری) آغاز کند گرچه نیازمند مسائل فلسفی نیست لیکن باید قبلاً از همان درون مایه (علم حضوری) اصل واقعیت که متعلق معرفت است و خود شخص عالم که صاحب معرفت است و خود معرفت را بیابد تا در مرحله بعد، مقدار واقع‌نمایی معرفت حضوری را یافته یا بیابد.

۲- اگر معرفت‌شناسی با روش‌های تجربی و اصطلاحاً علمی آن را بررسی نماید لازم است قبلاً بر اساس اصالت آزمون حسی، هستی عناصر محور معرفت را تجربه کند تا سپس از مقدار واقع‌نمایی تجربی معرفت سخن بگوید. به هر تقدیر معرفت‌شناسی در هر فرض و بر هر مبنا متأخر از برخی مسائل همان فرض و مبنا خواهد بود.

۳- به نظر می‌رسد آنچه این دور ثبوت و اثبات را حل می‌کند گذشته از تفاوت دو مقام که در حد خود توان دفع محذور را دارد، این است که مقداری از معرفت‌شناسی بدیهی و غریب نیست بحث است که با آن مقدار اصل واقعیت، وجود عالم، اصل معرفت، و واقع‌نمایی آن ثابت می‌شود سپس درباره مطالب دقیق آن بحث می‌شود و گرنه باید اصل معرفت و واقع‌نمایی آن از اصول موضوعه و پیش‌فرض‌ها باشد که تا زمان اثبات بر آنی تمسک آور نخواهد بود.^۱

تعریف معرفت

شناخت، از مفاهیم بدیهی و غیرقابل تعریف است. پس این که شناخت قابل تعریف نیست این است که گفته‌اند: ما همه چیز را به علم می‌شناسیم، اگر بخواهیم علم را به علم تعریف کنیم این تعریف، دور مصرح خواهد بود، و اگر بخواهیم به غیر علم بشناسیم لازم است اول آن غیر علم را توسط علم بشناسیم

۱- تفسیر موضوعی قرآن کریم، معرفت‌شناسی در قرآن، ج ۱۳، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۲۱-۲۲.

آنگاه علم را به وسیله آن بشناسیم چنین تعریفی نیز به مثابه همان دور مصرح است.

پس آنچه در تعریف شناخت و یا علم گفته می شود تعریف حقیقی نبوده بلکه تعریف تنبیهی است، یعنی مطلبی که در ذهن مخاطب موجود است لیکن مورد تنبیه او نیست با الفاظ مشابه و کلمات معادل، آن معنای مرتکز در صحنه ذهن او برجسته و بارز نشان داده شود.

از جمله تعریف لفظی که برای شناخت ذکر می شود این است که شناخت عبارت از آگاهی به واقعیت و یا راه پیدا کردن به واقعیت.

تذکر: ۱- به نیاز به دریافت از تعریف به معنای بی نیازی آن از تحلیل، تنبیه و مانند آن نیست؛ بنابراین بر اساس نیاز که معرفت شناسی به آن دارد باید معنای معرفت، که فی الجمله درون است، کنه آن- همان طور که در مقدمه گذشت نهایت غموض و ابهام را دارد تمایز ارکان آن شناسایی شود که چنین خواهد شد.

۲- معرفت شناسی به عنوان علم شایسته دارای هویت جمعی است و از مبادی، مسائل، اهداف مخصوص تشکیل می شود، نیازمند به تحلیل عمیق است.

ارکان معرفت

بدون شک تحقق معرفت متوقف بر اموری است. از اولین امور درسی که تحقق معرفت مستلزم تحقق آن هاست معلوم، عالم، و علم است؛ زیرا اگر در خارج واقعیتی که بتواند معلوم شود تحقق نداشته باشد و یا اگر فردی که بتواند علم به واقع پیدا کند وجود نداشته باشد و یا این که با وجود و تحقق اشیای خارجی و وجود انسان در خارج، راهی برای پی بردن به اسرار عالم وجود نداشته باشد، شناخت محقق نخواهد شد.

تذکر: ۱- وجود عالم و معلوم بالذات که مورد توقف علم است گرچه ضروری است، لیکن بررسی آن ها غیر از تحلیل درونی علم و معرفت است (العلم ما هو).

- ۲- در تحقق علم، وجود معلوم بالذات ضروری است، لیکن انطباق آن با خارج در خصوص علم صادق و معرفت صحیح است نه در مطلق علم و همه معرفت.
- ۳- عناصری از قبیل باور، صدق و توجیه، اگر سهمی در تحلیل معنای معرفت داشته باشند فی الجمله است نه بالجمله؛ زیرا باور همان تصدیق است که قسمی از معرفت است و صدق، وصف انطباق معلوم بالذات بالمعلوم بالعرض است که قسمتی از معرفت است و توجیه، برای انتقال یافته‌های خود به دیگران است که آن نیز در بعضی از معارف است نه در همه آن، یعنی در کنه معرفت دخیل نیست؛ و براین، حدس نوعی از معرفت خواهد بود، به‌ویژه حدس صائب. درحالی‌که انتقال آن به غیر بدون حدس خود آن غیرممکن نیست و با حدس او نیز نیازی به انتقال نخواهد بود.

منکران معرفت

منکران شناخت کسانی هستند که به انکار یکی از اصولی می‌پردازند که تحقق شناخت مبتنی بر آن‌هاست.

منکران شناخت به دودسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته آن‌هایی که هرگونه شناختی را منکر می‌شوند. دسته دیگر کسانی که تنها به انکار شناخت در ورای محدوده‌ای خاص می‌پردازند.

سوفسطاییان و شکاکان از دسته اول و مادی مسلمانان از دسته دوم هستند.

البته گفتنی است که می‌توان هر سه گروه را تحت معنای عام و جامع شکاک مندرج دانست.

سوفسطاییان

سوفسطی کسی است که اصل واقعیت را انکار می‌کند. بدیهی است که با انکار اصل واقعیت هر سه رکن شناخت یعنی علم، عالم و معلوم انکار خواهند شد، همان‌طور که با انکار چیزی که خارج از انسان باشد دو رکن شناخت انکار می‌شود

و با انکار هر سه رکن یادشده یا دو رکن از آن‌ها، راهی برای تحقق شناخت باقی نمی‌ماند.

شکاکان

شکاک کسی است که واقعیت انسان و واقعیت خارج را از انسان را قبول می‌کند ولیکن منکر راهی راست که انسان را به اسرار جهان می‌رساند.

مادی مسلکان

مادی مسلک کسی است که تفکر مادی دارد یعنی واقعیت مادی خارج از انسان و نیز واقعیت مادی انسان و راه شناخت این دو واقعیت را قبول دارد لیکن در هر سه بخش قائل به تنگنا و محدودیت است.

این گروه معتقدند؛ اصل واقعیت جهان در ماده و امور مادی خلاصه می‌شود، از این رو آنچه را که خارج از محدوده شهادت و متعلق به غیب است، نظیر ذات اقدس الله، قیامت، وحی و فرشتگان، همه، منکرند. انسان نیز نزد این گروه در پیکر و وجود مادی خلاصه شده و فاقد روح مجرد است.

با انحصار وجود در امور مادی، علم نیز که چیزی جز حقیقت شناخت نیست امری مادی خواهد بود. مادی دانستن انسان و چهار مادی دانستن شناخت، مستلزم مادی دانستن تمام لوازم، وسایل و نیز ابزار شناخت است.

تذکر: ۱- همان طور که در مقدمه گذشت، هستی‌شناسی مبتنی بر معرفت‌شناسی است چنان که معرفت‌شناسی اثباتاً مقدم بر هستی‌شناسی است، گذشتگان که مبحث جداگانه‌ای به عنوان معرفت‌شناسی نداشتند، ابتدا به تقسیم موجود به مادی و مجرد یا به حصر آن در مادی می‌پرداختند، نمونه‌ای از آن را می‌توان در طلحه نمط چهارم اشارات و تنبیهات ابن سینا رحمته الله یافت.

۲- حصر موجود در مادی یعنی انکار هرگونه موجود مجرد، لیکن حصر شناخت در تجربه ابتدائاً مستلزم انکار موجود مجرد نیست؛ زیرا موجود مجرد را نه

باتجربه حسی می‌توان اثبات کرد و نه باتجربه حسین می‌توان نفی نمود، لیکن معنای دقیق حصر شناخت در تجربه حسین انکار درستی هرگونه معرفت غیرتجربی است، یعنی معرفت عقلی، قلبی هر دو غیر از پندار و پوچ، چیز دیگر نخواهد بود و چون با پندار نمی‌توان چیزی را اثبات کرد پس اگر حکیمی با برهان عقلی یا عارفی با شهود قلبی، موجود مجرد را اثبات کرد، نزد کسی که شناخت را منحصر در تجربه حسی می‌داند، اسطوره، خرافه و ... خواهد بود سرانجام لازمه حصر شناخت در تجربه حسین انکار موجود غیرمادی است.

غیب و شهادت و وسعت دایره معرفت

در برابر سوفسطائیان، شکاکان و مادیون که منکر شناخت و یا قائل به محدودیت آن هستند، کسانی وجود دارند که گذشته از تصحیح اصل شناخت دایره آن را وسیع‌تر از حدود مادی می‌دانند.

جهان نزد این گروه می‌تواند دارای دو بخش مادی و مجرد یا غیب و شهادت باشد. غیب شامل خداوند تعالی و فرشتگان است و شهادت شامل امور محسوس و مادی است.

نزد این گروه انسان نیز که برای علم به این معلومات آفریده شده می‌تواند محدود به امور مادی نبوده بلکه علاوه بر بُعد مادی - که از طریق آن توان دریافت نشأ حس و شناخت عالم شهادت را پیدا می‌کند - دارای روح مجردی باشد که قادر به شناخت مجردات است (در صورت وجود مجرد).

کسانی که دایره شناخت را محدود به حدود مادی ندانند و قائل به وسعت آن نسبت به عوالم غیب و شهادت هستند در مورد راههایی که برای شناخت غیب و شهادت وجود دارد به دودسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول کسانی هستند که راههای شناخت را منحصر به حس و عقل دانسته و معتقدند شناخت حسن و تجربی که با ابزار حسی حاصل می‌شود مربوط به عالم

شهادت است و شناخت عقلی که با عقل و ابزار عقلی تحصیل می‌گردد مربوط به عالم غیب است.

دسته دوم کسانی هستند که راه‌های شناخت انسان را محدود به این دو بخش ندانسته و به جز راه حس و عقل، قائل به راه سومی نیز هستند که از طریق تهذیب، تصفیه و تزکیه نفس حاصل می‌شود. نزد این گروه از سهراب می‌توان به حقایق جهان پی برد و از اسرار آن آگاه شد و این نظریه درباره عالم، معلوم و علم، وسیع‌تر از دیگر نظریه‌ها است.

تیسره قسم موجود برحسب برهانی حکیمان متأله یا عرفانی عارفان متذوق به پنج قسم است: ۱- غیب مطلق ۲- غیب مقیس ۳- شهادت مطلق ۴- شهادت مقیس ۵- کون جمیع. شاید بتوان بعضی اقسام را در دیگری مندرج نمود.

نقش معلم در معرفت

کسانی که دایره هستی و شناخت آن را محدود به حدود مادی نمی‌دانند برای تمام محسوسات و یا معالیل عقلی و از جمله برای شناخت انسان، در کنار علل قابلی که می‌تواند برای آن‌ها وجود داشته باشد قائل به علت فاعلی هستند که در طول آن‌ها واقع شده است. علل فاعلی و در رأس همه آن‌ها خداوند تبارک، به دلیل آن‌که در عرض معالیل خود نیستند، از آن‌ها غایب هستند.

از این دیدگاه برای معلومات خارجی و نیز برای شناخت خود انسان علتی فاعلی است. از علت فاعلی شناخت که وجود آن علاوه بر سه رکن دیگر شناخت یعنی عالم، علم و معلوم ضروری است با عنوان معلم یاد می‌شود.

سوفسطاییان و شکاکان، چون با انکار شناخت را هرگونه استدلال را برای خود بسته‌اند قدرت تحقیق و پاسخگویی در مورد معلم را که رکن چهارم شناخت است ندارند، و اما مادیون، از آن‌رو که غیب را همانند سوفسطاییان - بدون برهان و دلیلی - منکر هستند، به انکار علل فاعلی و از جمله به انکار معلمی می‌پردازند که وجود آن به عنوان علت فاعلی و غیبی علم، ضروری و حتمی است.